

پرسش: " به عنوان شهروندی ایرانی چرا در انتخابات شرکت می کنید یا چرا آن را تحریم می کنید، فارغ از جناح بندی های سیاسی و یا حمایت و یا انتقاد از کاندیدای خاصی.

پاسخ: " ما با تحریم انتخابات موافق نیستیم و آن را ابزار موثری برای تغییروضع نا مطلوب موجود نمی دانیم. احزاب سیاسی ایران بنا بدلائل کاملاً روشن، از جمله سرکوب های مستمر و مزمن، نفوذ گسترده در میان طبقات مختلف مردم ندارند. این چنین نیست که مردم چشم به احزاب و گروه های سیاسی دوخته و منتظر باشند که آنان نظر شان را در مورد شرکت یا عدم شرکت اعلام و سپس مردم بر آن اساس عمل کنند. فضای بسته سیاسی ایران و هزینه ای بالای فعالیت سیاسی خود بخود موجب انفعال سیاسی و بی تفاوتی در میان بخش قابل توجهی از مردم شده است. تمایل به عدم شرکت آنان در انتخابات بروز یا پیامد این بی تفاوتی سیاسی یا سیاست زدگی بخشی از مردم است. طبیعی است که این واکنش منفعلانه مردم و کاهش مشارکت واجدین شرائط در انتخابات ، موجب تغییروضع موجود نمی شود بلکه بدتر هم خواهد شد. از طرف دیگر کاهش میزان شرکت کنندگان در انتخابات موجب کاهش اعتبار انتخابات و رئیس جمهور منتخب نمی شود. بلکه برعکس، کاهش میزان شرکت کنندگان در انتخابات ، با توجه به توان نیروهای تمامیت خواه در بسیج هواداران شان و امکانات مدیریت انتخابات بنفع کاندیدای مورد نظرشان ، مطلوب این جریان می باشد. هر قدر میزان مشارکت کمتر باشد، امکان پیروزی این جریان بیشتر خواهد بود. در انتخابات شورای دوم شهر تهران حدود ۱۰/۶ درصد از واجدین شرکت کردند و نامزد های این گروه سازمان یافته وابسته به نهادی خاص با حد اکثر ۱۸۰۰۰۰ رای و حد اقل ۸۰۰۰۰ رای توانست شورای شهر ۱۲ میلیون نفری تهران را تصاحب کند و از درون آن تجربه آقای احمدی نژاد سر بر آورد. در حالیکه اگر میزان شرکت مردم به ۱۵ درصد رسیده بود این گروه هرگز موفق نمی شد. جریان راست بعد از شکست خود در انتخابات خرداد ۷۶ به ضرورت مدیریت انتخابات (به معنای مهار ورودی و خروجی انتخابات) پی برد و از آن زمان برای آن برنامه ریزی کرده است. بخشی از این مدیریت ایجاد موانع سیاسی ذهنی یا عینی بر سر راه مشارکت مردم است. جریان راست تمامیت خواه علاقه ای به شرکت مردم در انتخابات ندارد . در انتخابات دوره قبل همین سیاست اعمال شد. حالا هم همین جریان مصمم است بار دیگر با اعمال شیوه های شناخته شده انتخابات را بنفع خود مهار کند و اگر نتواند، بازی را بر هم خواهد زد. در همین انتخابات پیش رو از هم اکنون ما شاهد تشدید جو خشونت در انتخابات هستیم. زیرا امار حاکی از آن است که این جریان در انتخابات شکست خواهد خورد.

برای بسیاری از فعالان سیاسی، کارشناسان اقتصادی، نویسندگان، روشنفکران دینی و سکیولار انتخاب مجدد آقای احمدی نژاد به ریاست جمهوری هزینه های جبران ناپذیری را بر میهنمان تحمیل خواهد کرد. بنابراین باید از این فرصت استفاده کرد و مانع انتخاب مجدد ایشان شد. در نظام های دموکراتیک، انتخابت به معنای گزینش میان صالح و اصلح یا خوب و بد نیست بلکه میان بد و بدتر است. در ذات چنین نگرشی

این باور وجود دارد که هیچ انسان معمولی بدون کاستی و خطا و گناه نیست. دنبال نا کجا اباد نباید رفت. از طرف دیگر برای اصلاح انحرافات بوجود آمده از آرمان های انقلاب چه راه کارهای عملی در دسترس ماقرار دارد. از همان اوائل بعد از پیروزی انقلاب دو دیدگاه برای اصلاح و بازگشت به ارمانهای انقلاب مطرح گردید. یک راه کار براندازی بود و دیگری مبارزه مسالمت آمیز قانونی برای تغییرات تدریجی گام به گام. بر اندازی نه میسر است و نه در راستای منافع و مصالح و امنیت ملی. تنها راه سالم و بهداشتی و مطمئن همین جنبش اصلاح طلبی است. برای این جنبش انتخابات یک فرصت در راستای طرح مطالبات مردمی است؛ آگاه کردن مردم به حقوق اساسی خودشان و نیز اوضاع به شدت نابسامان اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است.

از طرف دیگر جنبش اطلاع طلبی خواهان تغییر است. تغییر در دو سطح یا در دو بعد قابل بررسی است: تغییر در ساختار حقیقی (رفتار حاکمان بر مسند قدرت نشسته) و تغییر در ساختار حقوقی (قانون اساسی). این تغییرات هنگامی مفید و موثر خواهند بود که درون زا و از طریق حضور یک نیروی سیاسی مردمی اثر گذار باشد. انتخابات یک رویداد است. اما اصلاحات، در هر دو بعد، یک فرایند می باشد. هدف از مشارکت در انتخابات باید ایجاد یک نیروی سیاسی ملی و تبدیل کردن نیروی بالقوه مردم بیک نیروی سیاسی بالفعل تاثیر گذار، باشد.

نقش ما در انتخابت در دو بخش است. اول حضور در انتخابات است و دوم شرکت در آن. در مرحله حضور با استفاده از فضای سیاسی فصل انتخابات به طرح مطالبات اساسی مردم و آگاهی بخشی است. مرحله دوم رفتن به پای صندوق ها و رای دادن و سپس نظارت و صیانت از رای مردم.

ما در انتخابات شرکت میکنیم و رای می دهیم زیرا این اولاً حق ماست، ثانیاً انتخابات فرصتی است برای رای به عدم کفایت سیاسی مدیریت کنونی، یک نه بزرگ در سطح ملی به عملکردها و سیاست های حاکمان.